



نشریه اسلامی

شماره : 19

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ذکاء

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

فاس برای دانشجویان

تاریخ: 2014/1/1

## (بیت)

ثبات و استقامت در راه اسلام یکی از اساسی ترین مطالب مسلمان صادق به شمار می رود، زیرا در عصر حاضر شهوات و شبهات و انواع فتن، بیشتر از پیشتر شیوع یافته است باید خاطر نشان ساخت که اولتر از هر چیز، قلب آدمی نقش بارزی را در جهت تحقق پذیری ثبات بازی می کند.

پیامبر بزرگوار اسلام فرمود : [ أَلَا إِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَ هِيَ الْقَلْب ]

(آگاه باشید که در بدن آدمی پارچه گوشتی است که هر گاه بصلاح آمد و شایسته شد، شایسته می گردد همه بدنش و هر گاه آن پارچه گوشت فاسد شد، به تباهی می رود همه بدن، آگاه باشید که آن پارچه گوشت، قلب و دل آدمی است ) بخاری و مسلم  
با قلب پاک و مملو از اخلاص و ایمان، کتاب خدا را باز نموده و تلاوت نمائیم، در آن صورت یکنوع تسکین و ثبات خاص عاید حال مومن می شود، زیرا یکی از اهداف مهم نزول قرآن ( تثبیت ) قلوب می باشد،  
الله متعال نظریه کفار را رد نموده می فرماید :

[وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا] ( کافران

می گویند : چرا قرآن بر او یکجا نازل نمی شود ؟ ) و چرا آیات آن تدریجاً و با فواصل مختلف زمانی نازل می گردد ؟ ) . همین گونه ( ما قرآن را به صورت آیات جداگانه و بخش بخش می فرستیم ) تا دل تو را ( با انس بدان و حفظ آن ) پابرجا و استوار بداریم ، و آن را قسمت به قسمت و آرام آرام ( توسط جبریل ، بر تو ) فرو می خوانیم ( تا آن را با دقت بیاموزی و کم کم به خاطر سپاری ) . فرقان - 32

[وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا] ( این کافران ) هیچ مثالی را ( به عنوان اعتراض از قرآن و رخنه از رسالت و دعوت تو ) به میان نمی کشند ، مگر این که ما پاسخ راست و درست را ، و بهترین وجه و زیباترین تبیین و تفسیر را به تو می نمایانیم ( و بدین وسیله اعتراضات واهی ایشان را

پاسخ داده و باطل می گردانیم ) . فرقان - 33

لذا قرآن عظیم الشان ایمان را در قلب سلیم زرع و نفس را تزکیه نموده و رابطه مملو از محبت و رحمت را میان خالق و مخلوق برقرار می کند که هرگز تحت تأثیر وساوس و فتنه های گوناگون واقع نمی شود.

همچنان التزام داشتن به شرع الهی از مهمترین وسایل ثبات و استقامت محسوب می گردد. [وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ يَه لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيثًا] (و اگر ما ( با تعیین تکلیفات طاقت فرسائی همچون جهاد مستمر ) بر آنان واجب می کردیم که ( در راه خدا ، خود را در معرض تلف قرار داده و ) خویشتن را بکشید ، و یا این که ( برای جهاد ترک یار و دیارتان کنید و ) از سرزمین خود بیرون روید ، این کار را جز گروه اندکی از آنان انجام نمی دادند ( و اطاعت فرمان نمی کردند ) . و اگر اندرزهایی را که به آنان داده می شد انجام می دادند ( و دستور را به کار می بستند ، در دنیا و آخرت ) برای آنان بهتر بود و ( ایمان ) ایشان را پابرجاتر می کرد ) . نسا- 66

اسلام تداول اعمال صالحه را اگر چه کم باشد به اعمال منقطع ترجیح می دهد، و آنرا مفید معرفی میکند.

در قسمتی از حدیثی که ابوهیرره رضی الله عنه روایت میکند، چنین وارد است: [ و ما يزالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوْافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ ] (و همیشه بنده ام بوسیله نوافل به من نزدیکی می جوید تا اینکه دوستش میدارم ) بخاری

همچنان تدبیر نمودن در داستان های انبیا علیهم السلام را می توان از بهترین وسایل ثبات نامید، و تئیکه مؤمن قصص پیامبران را می خواند، قلب وی بیدار و استوار شده برایش علم تحقیقی حاصل می شود، زیرا قصص قرآنی خیلی مؤثر بوده، باعث تذکیر و اطمینان و استقامت و ثبات قلب می گردد.

الله متعال می فرماید: [وَكَلَّا تَقْصُ عَلَيكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا تُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ] ( این همه از اخبار پیغمبران بر تو فرو می خوانیم ، کلاً برای این است که بدان دلت را برجای و استوار بداریم ( و در برابر مشکلات تبلیغ رسالت ، آن را تقویت نمائیم ) . برای تو در ضمن این ( سوره و اخبار مذکور در آن ، بیان ) حق آمده است ( همان حقی که پیغمبران دیگران را بدان می خواندند ) و برای مؤمنان پند و یادآوری مهمی ذکر شده است ( که می توانند همچون

ایمانداران پیشین از آن سود جویند و راه سعادت پویند ) . هود - 120

پس بیان نمودن واقعات پیامبران گذشته برای تثبیت قلب رسول خدا و قلوب مؤمنین است. زمانیکه مشرکین با قساوت و بیرحمی ابراهیم علیه السلام را در آتش شدیدی که نهایت مشتعل بود

افگندند، از طرف الله متعال به آتش حکم تکوینی شد که بر ابراهیم سرد و سلامت شو : [قَالُوا حَرِّقُوهُ  
وَأَنْصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ] ( (برخی به برخی رو کردند و ) گفتند : اگر می‌خواهید کاری کنید ( که  
انتقام خدایان خود را گرفته باشید ) ابراهیم را سخت بسوزانید و خدایان خویش را مدد و یاری دهید).  
انبیا - 68

[قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ] ( آتشی را برافروختند و ابراهیم را در آن انداختند و ) ما به  
آتش دستور دادیم که ای آتش سرد و سالم شو بر ابراهیم ( و کمترین زبانی بدو مرسان ). انبیا - 69  
[وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ] ( آنان خواستند که ابراهیم را با نیرنگ خطرناکی نابود کنند ، ولی  
ما ایشان را زیانبارترین مردم نمودیم ( چرا که نیرنگشان نگرفت و حتی سبب ذلت نمود و نمرودیان  
گردید و انگیزه ایمان آوردن مردمانی گشت ). انبیا-70

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: هنگامیکه ابراهیم علیه السلام در آتش انداخته شد، آخرین  
کلامش این بود : [ حسبی الله و نعم الوکیل ] ( کافیسست به من الله و نیک کارساز است ).  
پس تأمل نمودن در قصص قرآنی چون داستان فوق الذکر، قلب مؤمن مجاهد را مملو از ثبات و  
استقامت در برابر ابر جناوران ظلم و ستم می نماید.

در قصه موسی علیه السلام می خوانیم که چون بنی اسرائیل در تدبیر عبور از بحر بودند، از عقب  
لشکر فرعون پدید آمد، ایشان خیلی پریشان و هراسان شده و به موسی علیه السلام گفتند که  
( اکنون از دست این ظالمان چگونه خلاص خواهیم یافت، پیشروی ما بحر حائل است و از عقب ما  
دشمن آمده عنقریب ما را گرفتار خواهند کرد).

[فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ] ( فرعون و فرعونیان ) بنی اسرائیل را تعقیب کردند و به هنگام طلوع آفتاب  
بدیشان رسیدند). شعراء - 60

[فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ] ( هنگامی که هر دو گروه یکدیگر را دیدند ، یاران  
موسی گفتند : ما ( در چنگال فرعونیان ) گرفتار می‌گردیم ( و هلاک می‌شویم ). شعراء - 61  
جواب موسی علیه السلام به آنها چنین بود : [قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ] ( موسی ) گفت :  
چنین نیست . پروردگار من با من است ( قطعاً به دست دشمنم نمی‌سپارد و به راه نجات )  
رهنمودم خواهد کرد). شعراء - 62

یعنی جای پریشانی و اضطراب نیست، بر وعده های خدای تعالی اطمینان کنید، حمایت و نصرت او  
همراه من است، برای ما یقیناً راهی را نشان خواهد داد.

واقعاً در داستان فوق معانی ثبات و استواری هنگام تعقیب و پیگرد ظالمان نهفته است.

آدمیزاد برای رهایی از باتلاق وسوسه و تردد به قلب سلیم و برای صعود به مدارج ثبات و استقامت به هدایات قرآن نیازمند است، بلکه یکی از جلوه های زیبای نزول وحی الهی تثبیت قلوب می باشد. و مبارزه و ثبات لازم و ملزوم یکدیگرند، مبارزه ثبات را پرورش می دهد و ثبات متضمن تداوم مبارزه است.

بدیهی است که موضوع استقامت برای کسانی که در انجام دادن اعمال نیک کسالت دارند و یا اصلاً علاقه مندی به مبارزه ندارند و گرفتار یکنوع آلیناسیون (alienation) مروج عصری شده اند، مطرح نیست، اما برای آنهایی که از اعماق ضمیر خواهان تحرک هستند و عملاً در راستای احقاق حق و ابطال باطل بذل مساعی می ورزند، اصل ثبات یکی از اساسی ترین مطالب به شمار می رود.

یکی از صفات بندگان مؤمن این است که اصل دعا را از وسایل ثبات دانسته و همواره از خداوند متعال استقامت را می خواهند تا قلبهای هدایت شده دوباره گمراه نشده و سرمایه مستحصله ضایع نگردد. [ رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ] (چنین فرزندگان خردمندی می گویند : ) پروردگارا ! دلهاي ما را ( از راه حق ) منحرف مگردان بعد از آن که ما را ( حلاوت هدایت چشانده و به سوي حقيقت ) رهنمود نموده اي ، و از جانب خود رحمتي به ما عطاء کن . بیگمان بخشایشگر تویی تو). آل عمران - 8

[ رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَأَنْصِرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ] ( پروردگارا ! ( بر دلهايما آب ) صبر و شکیبائی بریز و گامهایمان را ثابت و استوار بدار و ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان ). البقره - 250 رسول الله صلی الله علیه وسلم بکثرت دعای ذیل را می خواند :

[ یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک ] ترمذی

همچنان از بزرگترین اسباب استقامت ذکر خداوند متعال می باشد زیرا ذکر الله قلب مجاهد و مبارز را قوت و اطمینان می بخشد که این امر در پیشبرد مبارزه مفیدترین است.

الله سبحانه می فرماید : [ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِتْنَةً فَانْتَبِئُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ]

( ای مؤمنان ! هنگامی که با گروهی ( از دشمنان در میدان کارزار ) روبرو شدید ، پایداری نمائید ( و

فرار نکنید ) و بسیار خدا را یاد کنید ( و قدرت و عظمت و وفای به عهد او را پیش چشم دارید و به

تضرع و زاریش بخوانید ) تا ( در دنیا ) پیروز و ( در آخرت ) رستگار شوید). انفال - 45

آیا اصحاب رضی الله عنهم ( با وجود قلت عدد و وسایل ) با ذکر ودعا، بزرگترین حکومت های وقت

یعنی فارس و روم را ورشکست نساختند؟

آیا یوسف علیه السلام برای حصول ثبات در مقابل فتنه و فساد قصر، وارد حصن ( معاذ الله ) نشد؟

[ وَرَأَوْتُهُ الْآتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنِ نَفْسِهِ وَعَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُغْلِحُ الظَّالِمُونَ ] ( زنی که یوسف در خانه‌اش بود ، آرام آرام نیرنگ آغازید و به گولزدن او پرداخت ، و درها را بست و گفت : بیا جلو و دست به کار شو ، با تو هستم ! یوسف گفت : پناه بر خدا ! او که خدای من است ، مرا گرامی داشته است ( چگونه ممکن است دامن عصمت به گناه بیالایم و به خود ستم نمایم ؟ ! ) بی‌گمان ستمکاران رستگار نمی‌گردند). یوسف - 23

این چنین است کارآیی اذکار در تثبیت مؤمنین .  
قابل ذکر است که تربیت سالم ایمانی و عملی و مندرج و مستمر که متضمن آگاهی و تعهد است نقش مهمی را در راه مقاومت ایفاء می‌کند.  
و چون این نوع تربیت مدرسه نبوت شامل حال صحابه رضی الله عنهم شد، در متاعب مانند ( دوره اضطهاد ) که در مکه بخاطر دین اسلام مورد ستم و آزار قرار گرفتند، استقامت شایان نمودند، و ثبات بلال و خباب و مصعب و آل یاسر و سایر مظلومان و حتی کبار صحابه در ( حصار شیب ) نمونه های بارزی از تربیت مقاومت آفرین مدرسه نبوت است، و مثلاً در غزوه حنین غالباً اصحابیکه یک مدت کافی در مدرسه نبوت تربیت شده بودند، پایدار ماندند، اگر تربیه سالم ایمانی و عملی و مندرج و مستمر نمی بود، چگونه آنها ثابت قدم می بودند؟  
یکی از چیزهای که برای ثابت قدم بودن خیلی ها مفید است، عبارت از باور و اعتماد داشتن بر مسیر مبارزه می باشد.

پس ای مبارز و مجاهد! مسیری که خداوند ترا با آن عزت داده است، مولود جدید نبوده، بدعت را در آن راهی نیست، بلکه راه و طریق نخبه ها و گزیده های الهی قبل از تو مانند : انبیاء و صدیقین و علماء و شهداء و صالحین بوده است، و تو در این راه طولانی و نورانی تنها نبوده، بلکه با مشعلداران رسالتمند تاریخ در یک طریق و منهج قرار داری، با این بینش چنان احساس ایجاد می شود که مبارز صادق در صف و ردیف آن بندگان مقبول قرار دارد که الله متعال رهروان تاریخ را تعلیم داد که بر آن برگزیده های الهی سلام بفرستند :

[ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ] ( خدای را سپاس ) می‌گویم که تباهاکاران همچون قوم ثمود و گردنکشان همسان فرعونیان را به دیار عدم فرستاد ، و از خدا درخواست می‌نمایم که نازل فرماید ( رحمت و مغفرت خود را بر بندگان برگزیده خویش). النمل - 59  
[ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا ] (( ما کتابهای پیشین را برای ملت‌های گذشته فرستادیم و سپس کتاب ( قرآن ) را به بندگان برگزیده خود ( یعنی امت محمدی ) عطاء کردیم). فاطر - 32

چون رسالت‌مند خود را با انبیاء و صدیقین و علماء و شهداء و صالحین در یک مسیر و پیمان می‌یابد، احساس غربت وی زایل گردیده، یکنوع فرحت توأم با استقامت در اعماق ضمیرش جایگزین می‌گردد، و از خلال داستان‌های پیامبران در می‌یابد که چون یوسف علیه السلام مورد هجوم فتنه زن زیبا و عالی مقام قصر مصر واقع شد، از ذات واحد مقتدر استعانت جست و به حصن (معاذ الله) پناه برد که در نتیجه امواج سپاه شهوات بر سر ابراج قلعه استقامت ورشکست شدند، اینچنین قصص برای وی خیلی مفید و اصلاح آفرین است همچنان تربیت سالم ایمانی و عملی و مندرج و مستمر که متضمن آگاهی و تعهد است، بهترین مصدر ثبات شخص مجاهد محسوب می‌گردد و از مقاومت نمودن تربیت یافتگان مدرسه نبوت مانند: بلال و خباب و مصعب و آل یاسر و استواری کبار صحابه رضی الله عنهم در (حصار شیب) دروس استقامت را فرا گرفته و در ساحة عمل تطبیق می‌نماید. مؤمن دارای فراست و ذکاوت بوده و دوراندیش می‌باشد، و حقیقت باطل را بطور درست شناسایی می‌نماید که این فراست و دور اندیشی و معرفت حقیقت باطل، باعث عدم فریب خوردن وی از تجملات آنی و فانی آن می‌گردد: [لَا يَغْرَبَنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْيَلَدِ] (رفت و آمد (پیروزمندانه، و اشتغال به کسب و کار و تجارت و بسر بردن در ناز و نعمت) کافران در شهرها، تو را نغریبد). آل عمران - 196

پس مسلمان با کمال دور اندیشی در مورد نعیم جنت و عذاب دوزخ تأمل می‌نماید، زیرا تأمل در اجر و پاداش ثواب، و عقاب گناه، مشقت مقاومت را سهل می‌سازد.

زمانیکه یاسر و عمار و ام‌عمار (سمیه) در راه الله مورد شکنجه و اذیت قرار گرفتند، پیامبر اسلام علیه الصلاة والسلام جهت ثبات بخشیدن آنها، اسلوب تذکیر بهشت را استخدام نموده و فرمود:

[صبرا آل یاسر فإن موعدکم الجنة] (صبر پیشه کنید ای آل یاسر، پس هر آینه موعد شما بهشت است) رواه الحاکم

لطفاً به حدیث شریف ذیل توجه فرمائید:

[عن أبي يحيى أسيد بن حضير رضي الله عنه أن رجلا من الأنصار قال: يا رسول الله ألا تستعمليني كما استعملت فلاناً فقال: إنكم ستلقون بعدى أثره، فاصبروا حتى تلقوني على الحوض] (از یحیی اسید بن حضير رضي الله عنه روایت است که مردی از انصار گفت: یا رسول الله! آیا همانگونه که فلانی را مؤظف ساختید مرا مؤظف نمی‌سازید؟

ایشان فرمودند: همانا زود است که بعد از من با خود گزینی (در حقی که دیگران هم در آن شریک اند) روبرو شوید، پس صبر کنید تا مرا بر سر حوض ملاقات نمایند) (متفق علیه)

باید خاطر نشان ساخت که هدف بیان داستان های تاریخی قرآن عبارت از ( شدن انسان ) است، مثلاً وقتیکه قرآن عظیم الشان داستان اصحاب اخدود را در معرض بیان قرار میدهد، هدف آن (شدن آدمیت) یعنی ساختار و ایجاد نیروی مقاومت و ثبات در ضمیر انسان می باشد.

[قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ] (نفرین بر صاحبان گودال ( شکنجه ) باد!) [النَّارِ ذَاتِ الْوُوقُودِ] (گودال پر از آتش و دارای هیمة و افروزینه فراوان) [إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ] (وقتی آنان بر کناره گودال آتش ( به نظاره گری سوختن و جزغاله شدن مؤمنان ) نشسته بودند)

[وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ] ( و ایشان چیزی را تماشا می کردند که بر سر مؤمنان می آوردند .) [ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ] ( شکنجه گران هیچ ایرادی و عیبی و جرمی بر مؤمنان نمی دیدند جز این که ایشان به خداوند قادر و چیره ، و شایسته هرگونه ستایشی ، ایمان داشتند ! ) [الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ] ( خداوندی که سلطنت و سرزمین آسمانها و زمین از آن او است ، و بر هر چیزی حاضر و ناظر است .) البروج 4- 9 در آیات مبارکه فوق الذکر و حدیث شریف ذیل، علاوه از ثبات و استقامت مؤمنان، چگونگی تعذیب و خصومت مخالفین دین مبین نسبت به مسلمانان نیز به نمایش گذاشته شده است : [ قَدْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ يُوْخَذُ الرَّجُلُ فَيُحْفَرُ لَهُ فِي الْأَرْضِ فَيُجْعَلُ فِيهَا، ثُمَّ يُوتَى بِالْمِنْشَارِ فَيُوضَعُ عَلَىٰ رَأْسِهِ فَيُجْعَلُ نِصْفَيْنِ، وَيَمْشَطُ بِأَمْشَاطِ الْحَدِيدِ مَا دُونَ لَحْمِهِ وَ عَظْمِهِ، مَا يَصُدُّهُ ذَلِكَ عَنْ دِينِهِ ... ] ( در گذشته مرد ( مسلمان ) گرفته شده و در گودالی که در زمین برای او حفر کرده بودند نهاده می شد و سپس اهره بر سرش گذاشته شده و دو قسمت می گردید و سیخ های داغ شده آهنی در زیر گوشت و استخوانش فرو می کردند و وجودش را با آن سیخ ها شانه می کردند، با آنهم او را از دینش باز نمی داشت ... ] (بخاری)

ثبات و استواری در جهاد و سایر اقسام مبارزه از مواضع مهمی است که باید مؤمن مجاهد آنرا رعایت نموده، اهتمام خاصی ورزد، در صدر اسلام مؤمنان راسخ العقیده، صداقت خود را ثابت نمودند و در وقت شدائد و مصائب از حمایت دین مبین و از رفاقت رسول کریم صلی الله علیه وسلم یک قدم عقب نماندند، بر عهد و پیمانی که با خدا و رسول وی بسته بودند، چون کوه استوار ماندند، بعضی از آنها ذمه خود را به پایان رسانیده، چون شهدای بدر و احد جان دادند، از آن جمله داستان انس بن النضر رضی الله عنه خیلی مشهور است ( که در مجالس گذشته بیان شد )، و بسیاری به کمال اشتیاق انتظار شهادت را می کشند، زیرا اهداف و مقاصد آنها بالاتر از ارواح شان بوده، هیچگونه تنازل را نمی شناختند : [ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن

يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا] (در میان مؤمنان مردانی هستند که با خدا راست بوده‌اند در پیمانی که با او بسته‌اند. برخی پیمان خود را بسر برده‌اند (و شربت شهادت سرکشیده‌اند) و برخی نیز در انتظارند (تا کی توفیق رفیق می‌گردد و جان را به جان آفرین تسلیم خواهند کرد). آنان هیچ گونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند (و کمترین انحراف و تزلزلی در کار خود پیدا نکرده‌اند). الحزاب - 23

کسانی که ظاهراً و باطناً بر اسلام و ایمان ثابت قدم ماندند، بر ایشان هنگام موت و وقتی که در قبر می‌رسند و پس از آنکه از قبرها بر می‌خیزند، فرشته‌ها نازل شده آنها را تسکین و تسلی و مزد بهشت می‌دهند.

ملائکه می‌گویند که حالا موقع ترس و بیم و اضطراب باقی نمانده، و بطور همیشه اندیشه و نگرانی‌های دنیا خاتمه یافته است، و در آینده نیز هیچگونه آفت و اندوه متوجه شما نیست، و سعادت‌های ابدی بهشت را که پیامبران به شما وعده داده بودند همه ایفاء می‌شود: [إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ] (کسانی که می‌گویند: پروردگار ما تنها خدا است، و سپس (بر این گفته خود که اقرار به وحدانیت است می‌ایستند، و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می‌دهند، و بر این راستای خداپرستی تا زنده‌اند) پابرجا و ماندگار می‌مانند (در هنگام آخرین لحظات زندگی) فرشتگان به پیش ایشان می‌آیند (و بدانان مرزده می‌دهند) که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که (توسط پیغمبران) به شما (مؤمنان) وعده داده می‌شود). فصلت - 30

ثبات آئینه مجموعه صفات خجسته ای رشد یافته ای انسانی است که هرگاه اندکی ورشکست شود، سایر صفات و محاسن آدمی کم نما می‌گردد، و هر گونه تلخی‌های روزگار، ذریعه ثبات و استقامت، شیرین شده، وحشت‌های نگرانی‌ها، بلکه خوفِ مرگ زایل می‌گردد که در این زمینه‌ها ذکر و یادآوری نعیم بهشت از تأثیر بسزایی برخوردار است، زیرا ذکر اجر و ثواب آخرت، مشقت‌های مصیبت‌ها را سهل و آسان و حتی لذت بخش می‌سازد.

راد مردانیکه اهداف آنها عالیت‌تر از ارواح‌شان بوده است، بالاخره در استواری و قهرمانی، سرآمد روزگار شده، الگوهای والا و نخبه‌های تاریخ را تشکیل داده‌اند که سرمشق جوانان مبارز و شجاع قرار گرفته، احساس‌های بلند و نهضت‌های بزرگ و پرشکوهی را با حماسه‌های سترگ آفریده‌اند.